

## علت اصلی حمایت روسیه از سوریه چیست؟

رسانه های اروپایی-آمریکایی در تبلیغات سوریه ستیز خود همچنان امکان تغییر موضع روسیه در مورد بحران سوریه را ، در نتیجه چانه زنی های غرب که روسیه را به نرمش وادارسازد، پیهیم مطرح میکنند. از اولین دو ویتو روسیه در شورای امنیت که پلان جنگ استعماری غرب علیه سوریه را خنثی ساخت تلاشهای غرب برای تغییر موضع گیری روسیه در حمایت از سوریه کماکان با قوت ادامه دارد. اما همه این تلاشها اکنون به ناکامی انجامیدند و پوتین در برابر تمام «اطمینانها» و «ضمانتها»ی که از جانب غرب بخاطر در نظرگیری منافع روسیه پیشکش شد، بی تفاوت باقی ماند.

مناقشه میان ایالات متحده و روسیه علل عمیق دارد که با گذشتههای جزئی و وعده های ناچیز حل نمیشوند. از چندین سال به اینطرف ماسکو تلاش دارد تا به هژمونی ایالات متحده در روابط بین المللی پایان بخشد و بحران سوریه دریچه مناسبی برایش بوجود آورد که از آن برای تأمین توازن جدید قوا در سطح جهان به پیش برود.

ساختار اقتصادی روسیه و آمریکا باهم مشابه اند و هر دو بخاطر بدست آوردن بازار جهانی فروش اسلحه و انرژی در رقابت اند. این هم حرف پوشیده نیست که کارتل های نظامی-انرژی-تیک آمریکا ستون فقرات منافع ایالات متحده در جهان را تشکیل میدهند و مشی دیپلوماتیک واشنگتن را دیکته میکنند.

از جانب دیگر مشخصه امپریال نیروی روس به حیث کشور سلاو در تاریخ گذشته و حال نشانه های خود را بجا گذاشته و بحیث قلب عیسویت اورتودوکس شناخته شده است. این امر روابط ژئوپولیتیک میان روسیه و کشورهای اروپای شرقی اورتودوکس را که از دوران تزار تا سقوط اتحاد شوروی در زون نفوذ روسیه قرار داشتند، روشن میسازد. و روسیه به پا خاسته زیر رهبری ولادیمیر پوتین آرزو دارد تا این منطقه را که زیر نفوذ ایالات متحده قرار گرفته است دوباره به دست آرد.

مداخلات آمریکا و کشورهای اروپایی در امور داخلی روسیه و جمهوریت های شوروی سابق که بحیث ساحه نفوذ ماسکو تلقی میگردند تهدید به امنیت ملی روسیه را تشکیل میدهند. از نظر

روسیه این مداخلات یک ضربه متقابل قاطع به قلب هژمونی ایالات متحده را ایجاب میکند. و شرق میانه درست جایست که چنگال های امریکا باید در آنجا بریده شوند تا تپایش سلطه گرایی و تمایل مداخله گرانه آن توقف کند.

سوریه در توازن جدید نیروها در جهان یک جایگاه مرکزی وقاطع را اشغال کرده است. پیمان همبستگی میان سوریه و ماسکو به روسیه راه دخول به آبهای گرم دریای مدیترانه را باز میکند و مانع میشود که مدیترانه به یک دریاچه ناتو تبدیل شود، اما حرف در اینجا تمام نمیشود، متخصصین ، وجود یک پروژه مشترک میان ایالات متحده-اروپا-اسرائیل را که دران عربستان سعودی، قطر و ترکیه نیز همکاری خواهند داشت افشا ساختند. این پروژه عبارت از ساختن یک لوله عظیم زیر دریایی است که گاز و پترول را از شرق میانه به اروپا انتقال دهد. این لوله از آبهای ساحلی لبنان و سوریه باید بگذرد. تحقق این پروژه ضربه مرگباری به اقتصاد روسیه خواهد بود که روی صادرات گاز و پترول به اروپا حساب میکند.

ستراتیژ های که چنین پروژه ها را پلانگذاری میکنند به یقین میدانند که نیروی مقاومت در لبنان و دولت مقاومت گر سوریه هرگز تحقق چنین یک پروژه «دول خلیج-اسرائیل-ترکیه» را اجازه نخواهند داد. پلان همین پروژه باعث جنگ سال ۲۰۰۶ شده و موجب آوردن فشارها از سال ۲۰۰۳ به اینطرف بر سوریه گردید.

درین چارچوب میتوان درک کرد که مسأله سوریه برای روسیه سوال امنیت ملی را تشکیل میدهد و به همین دلایل ولادیمیر پوتین در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آنرا بحیث مثال برای توضیح سیاست خارجی روسیه بکاربرد:

سیاست ضد امپریالیستی و همنوا با نیروها و کشور هایی که علیه هژمونی غرب مبارزه میکنند. این واقعیت درین ماه های آخر نشان داد که آرزوهای هژمونی امریکا در مورد شرق میانه و جهان روی صخره های سوریه درهم شکسته از هم پاشید.